گفت‌وگو با سید عبد المجید کیانی‌هندی پژوهشگر و نوازنده‌ی سنتور

راهیست راه عشق که هیچش کناره نیست

آمن خادمی

آرام و محجوب به نظر می‌رسید. وقتی می‌خندید مثل اینکه در خنده‌اش نوعی تفکر نهفته است. گویی اُنس با سنتور جسمش را صیقل داده و روحش را آسمانی کرده است. تُن صدایش آرام بود و بعضی مواقع که سوالهایم را با سماجت تکرار می‌کردم و ناخواسته صدایم بلند می‌شد، خجالت می‌کشیدم. مجید کیانی پس از دکتر داریوش صفوت مدیریت گروه آموزشی موسیقی دانشگاه تهران را به مدت ۸ سال عهده‌دار شد.

در سال ۱۳۷۷ به عنوان پژوهشگر برتر و سال ۱۳۸۰ به عنوان چهره‌ی ماندگار - دومین دوره - در شاخه‌ی موسیقی مورد تقدیر واقع شد. او از ردیف‌شناسان بزرگ ایرانی یادگار استاد نورعلی‌خان برومندو دکتر داریوش صفوت است و در حال حاضر عضو پیوسته‌ی فرهنگستان هنر، عضو هیئت علمی دانشکده‌ی هنرهای زیبا، عضو شورای درجه‌بندی خبرگان بدون مدرک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس مرکز حفظ و پژوهش موسیقی سازمان صدا و سیماست. آواز ایرانی و دیگر سازها را به‌درستی می‌شناسد ولی ساز تخصص او سنتور است که از ادوات اصلی موسیقی اصیل ایران به شمار می‌آید. فرصتی فراهم شد تا با وی به‌صحبت بنشینیم که بخشی از آن را می‌آوریم.

در همایش پیژاد که سمفونی آن توسط شاهین فرهت نوشته شد، شما هم در ارتباط با موسیقی و نقاشی سخنرانی داشته‌اید. در مورد ارتباط بین این دو هنر کمی توضیح دهید.

در بسیاری از هنرهای سنتی مثل معماری، نقاشی، خوشنویسی و موسیقی، محورهای مشترک زیادی وجود دارد. اگر نگاهی دقیق به اشتراکات موسیقی و نقاشی بیندازیم متوجه می‌شویم تمام عناصر صوت کمی جدایی بین آن دو بوجود می‌آورد و بقیه عناصر مشترک است؛ مثلاً بین نغمه یک آهنگ موسیقی، درجات در ما به مقام‌هایی وجود دارد که رعایت این درجات در نقاشی شبیه نسبت‌های موسیقایی است. محور دیگر ریتم است. دیگری تفکر و اندیشه است که در نقاشی اندیشمندانه است و در موسیقی، عاطفه و این دو هر منطبق هستند. از آنجا که نقاشی ارتباطات تنگاتنگی با نقوش نمادین، اسطوره‌ها و پس‌زمینه‌ها دارد همه اینها در موسیقی حضور دارند. البته مسائل فنی زیادی وجود دارد که از حوصله این گفت‌وگو خارج است.

با توجه به اینکه شما چزء ردیف‌شناسان این کشور به حساب می‌آیید و گویی تحقیقی در زمینه «نقش تکرار در موسیقی دستگاهی ایرانی» را ارائه داده‌اید. برای خوانندگان ما در مورد جایگاه تکرار در موسیقی دستگاهی توضیح دهید؟

تکرار را می‌توانیم از چند جهت مورد بررسی قرار دهیم؛ اول اینکه تکرار جنبه فیزیکی دارد. دیگر اینکه تکرار برای معنویت و درک موسیقی است و این تکراری درونی به حساب می‌آید و برای اینکه به مفاهیم یک قطعه دسترسی پیدا کنیم آنرا تکرار می‌کنیم. این تکرار شبیه ذکر و دعاست. **چه فرقی بین تمرین با تکرار وجود دارد؟**

تمرین یک تکرار فیزیکی است و برای بدست آوردن مهارتی انجام می‌شود در این نوع تکرار ما یک نوع فرمولگی و دلزدگی خواهیم داشت ولی در تکرار معنوی هرچقدر هم تکرار زیاد باشد چون به شناخت و درک بیشتری می‌رسیم زیبایی‌های درونی برای ما آشکارتر می‌شود و به نوعی به آرامش می‌رسیم. اگر قطعه‌ای هنری باشد این اثر همانند چشمه‌ای که هرچقدر از آن آب برداریم تمام‌شدنی است. ولی در قطعه غیرهنری اگر بتوانیم تکرار چنبه تمرین داشته باشد خیلی زودبه بی‌محتوایی آن می‌رسیم و به مرور آنرا کنار می‌گذاریم.

چندی پیش جشنواره سنتورنوازان با شرکت چند گروه موسیقی در فرهنگسرای نیاوران برگزار شد که هنرمندان ایرانی، مقام‌های سنتی‌اند از آن ترکه‌اند. چرا؟

از اتفاقی کار که من در جریان بود استادانی مثل فرامرز پایور، رضا شفیعیان، رفیع اطرابی، پرویز مشکاتیان و پشتیبک کامکار، دعوت شده بودند ولی بعضی از این اساتید مثل استاد پایور به دلیل کسالت نتوانستند حضور یابند و بهترین اتیان؛ یعنی آقای سعید ثابت معرفی شدند آقای شفیعیان به علت معالجه چشم‌شان عذر خواستند، اینکه آقای مشکاتیان به

است، نظرتان در مورد این نوع موسیقی و تأثیرات آن روی مخاطبین اصیل چیست؟

ما در پنجمین جشنواره موسیقی جوان شاهد سه نوع موسیقی رایج در ایران بودیم؛ موسیقی کلاسیک که متأسفانه بیشتر موسیقی جوانی معرفی شد، درحالکه در جهان موسیقی غیرارزیابی و موسیقی جوانی با عنوان Word music یا Music du کشورهای غیراروپایی را شامل می‌شود. دیگری موسیقی سنتی که شامل موسیقی نواحی، دستگاهی و مقامی - آیینی بود و آخر موسیقی پاپ که در این جشنواره به عنوان موسیقی عامه پسند نیز معرفی شد. اما موسیقی علم روز باید موسیقی آکادمیک باشد که شامل کلاسیک و کلاسیک است، ما در جشنواره باید جنبه تشویق به پیشرفت و تعادل شاید را در دو مورد موسیقی کلاسیک و ایرانی ارزیابی کرد نه با نتایج غم‌انگیزی این تشویق‌ها در آینده و برای نسل‌های دیگر نیست. موسیقی‌های ملی باید که هویت فرهنگ‌های اصیل را بدارد ضرورتی برای تشویق و حمایت کردن آن احساس نمی‌شود چون به اندازه کافی مورد تبلیغ و حمایت مردم عامه‌پسند و رسانه‌ها می‌شود. ولی با تمام این حرفها من نمی‌گویم که موسیقی پاپ در ایران نباشد و جوانها آن را نشوازند و گوش ندهند بلکه باید زمینه‌ای را فراهم آورد که جوانان موسیقی زیبادر و باشکوهتر را گوش دهند.

سوالم را به گونه‌ای دیگر تکرار می‌کنم که با گسترش موسیقی پاپ چه انتقائی در زمینه‌ی موسیقی اصیل وجود دارد؟

موسیقی پاپ بر روی موسیقی سنتی (نواحی ، مقامی، مذهبی - آیینی و دستگاهی - ردیفی) تأثیرات منفی به جای نگذاشت، چون موسیقی اصیل و جدی مخاطب خاص خودش را دارد و اینجا موسیقی‌های شبه‌سنتی، شبه‌مقامی، مذهبی صدمه خوردند. یک موسیقی سنتی وقتی تحریف شد و از معنی اساسی خودش را از دست داد هیچ فرقی با یک موسیقی عامه‌پسند و تفریحی نمی‌کند. به همین خاطر اگر موسیقی پاپ اجرای فوتبری شاید طبیعی است که پیروزی از آن موسیقی پاپ خواهد بود نه موسیقی شبه‌ایرانی. به همین خاطر می‌بینیم وقتی موسیقی پاپ رایج می‌شود فروش موسیقی سنتی عامه‌پسند ما به‌شدت تنزل پیدا می‌کند و این بخشی که اصالت ایرانی خود را حفظ کرده بود تغییر و تنزل پیدا نمی‌کند و برعکس مثلاً اگر میزان پاپ از خوب ۵۰۰ عدد بود به ۶۰۰ عدد رسید درحالکه در استادان سنتی عامه‌پسند اگر تیراژی ۵۰ هزار تا بود به ۵ هزار تا رسید.

در مورد مرکز پژوهش موسیقی هست و سیما که شما در آن مشغول به کار هستید و هدف آن کجی توضیح دهید.

نام این مرکز قبلاً مرکز حفظ و اشاعه موسیقی، که تأسیس آن به سال ۱۳۳۷ می‌گردد، بعدی بعد از انقلاب به نام آموزش موسیقی ایرانی تغییر نام یافت و در سال ۷۹،۸۰ به اسم مرکز حفظ و پژوهش موسیقی ایران نامیده شد.

هدف

به این گونه است که جوانان مشتاق برای موسیقی دستگاهی و ردیفی جذب این مرکز می‌شوند و بعد از نظر استادانی که در اینجا وجود دارند از تعالیم و پژوهش خود را انتخاب دهند. در اخیل خاتمه ۲۰۰ نفر بنیه اینجا مراجعه کردند ۱۳۵ آنها به عنوان عضو پیوسته مشغول فعالیتند و ۱/۲ از امکانات مرکز استفاده می‌کنند و بقیه به عنوان عضو همکاری که اشکالاتی در آینده بتوانند این بخش از موسیقی فرهنگی و حدیق را حفظ و معرفی نمایند مشغول فعالیت هستند.

کارهای پژوهشی را در موسیقی ایرانی تا چه حد ضروری می‌بینید؟

اگر ما بخواهیم به مکاتب، شخصیت دست پیدا کنیم و تحریف‌ها را متوجه شویم و همچنین اگر تداوم موسیقی سنتی را بخواهیم بدون تحقیق و پژوهش راه به جایی نخواهیم برد. بنابراین برخی از هنرجویان (پیوسته) صرفاً کار پژوهشی را انتخاب می‌کنند به این صورت که روی آثار قدما کار می‌کنند و آنها را از لحاظ علمی بررسی می‌کنند و موارد شناخته شده را در کارهای اجرایی و کاربردی استفاده می‌کنند.

فکر می‌کنید در تحقق هدفهایتان در این سازمان چقدر موفق خواهید بود؟

وظیفه‌ی این مرکز بسیار مهم و کارساز است و اگر سنتی و ماندگاری هنری را بخواهیم این هدفهای ارزشی، معنوی و فرهنگی را متوجه شویم و ما را تنها نگذارند موفق خواهیم شد. وگرنه دوباره به همان نوع موسیقی روی خواهیم برد برای خوش گذرانی شخصی داشته باشد و بتواند جنبه شاگرد را تعلیم و تحویل دهد ادامه خواهد داشت. البته این مسیر برای حفظ اصالت انتخاب می‌شود.

ارتباط و یا سیر تحول موسیقی بعد از انقلاب، چالش‌ها، پژوهش‌ها، مکتوبات، رسانه‌ها، مراکز آموزشی و تولیدات صوتی و... توضیح بفرمایید.

انقلاب سوال‌ها بسیار گسترده است و در مجال کم نمی‌گنجد. این مطالب نیازمند یک طرح پژوهشی است که باید از طرف مؤسسه‌های پژوهشی طرح شود و دانشگاهی باشد و همچنین شامل طرح‌های پژوهشی فرهنگستان هنر کارگروهی برای انقلاب فرهنگی که متوجه کارها بررسی و گزارش داده شود.

از اینکه وقتتان را در اختیار ما گذاشتید، تشکر می‌کنم.

از اینکه فرصتمه شما و همکارانتان نهایت تشکر را دارم.